

سه شنبه ۱۸ جون ۲۰۱۹

مرجان کمال

اسلام و اقتدار سیاسی نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری
قسمت دوازدهم

باورم نیست که دیگر نشنوم آوای تو
یا نبینم روی ماه و قامت رعناى تو
سالها سنگ صبورم بودى و هم صحبتم
بى تو رنگِ یأس دارد منزل و ماوای تو



به ادامه گذشته:

مهم است تا یاد آوری نمائیم که تعریف از جهاد مشروع در مفهوم ملت گنجانیده شده، پس جهاد اجازه می دهد تا از منافع ملت و مذهب دفاع صورت بگیرد. افکاری که جهاد دفاع از ملت است برخاسته از یک جریان اندیشه مسلط یا بارز در شرق میانه می باشد که مخصوصاً توسط سید جمال الدین افغان نظریه پردازی گردیده و بعداً توسط محمد ابدو و رشید ریبا دوباره گرفته شد. که در حقیقت دلالت به گسترش تیوری کلاسیک جهاد یا جنگ علیه استعمار و مقاومت علیه قدرت خارجی بوده و یک جواب مشروع به تهاجم خارجی می باشد.

امیر عبدالرحمن خان خود را یک شخص بسیار مذهبی، پرهیزگار و با تقوی نشان داده و ابتکار چندین جهاد را می‌گیرد، که این یک شکل نو مشروعیت اقتدار سیاسی، مستلزم سیاسی ساختن بازیگران مذهبی می‌گردد، و با داخل نمودن بازیگران مذهبی در ساحة سیاسی به مشروعیت اقتدار خود می‌افزاید.

مناطق مرکزی، هزاره جات خود را، خود مختار و مستقل از دولت و امیر اعلان می‌کنند. امیر در شروع تصمیم به ستراتیژی که در آن با روی کار آوردن یک تعداد اعضای نو رهبران محلی توسط اعضای قبلی می‌خواهد با تفرقه اندازی در بین شان آن‌ها را مطیع خود نماید، لکن این ستراتیژی امیر ناکام می‌شود و نتیجه برعکس داده سبب ایجاد اتحاد گروپ‌های مختلف قبیلوی و اجتماعی هزاره‌ها می‌گردد، و امیر جهاد علیه هزاره‌ها را اعلان می‌کند.

اولسن استه (Olesen Asta):

«امیر از دیگر نواحی کشور تقاضای سربازگیری داوطلبانه برای آرام ساختن هزاره‌ها می‌نماید، تقاضای سربازگیری با نصب نمودن اعلانات و گزارشات در مساجد در کابل صورت گرفته و این پروپاگندها تبدیل به یک جنگ مذهبی می‌گردد، مخصوصاً بعد از اعلان توسط رهبران مذهبی مشهد که جنگ علیه سنت را اعلان می‌کنند.»

پادشاه فارس از انگلیس‌ها تقاضا می‌نماید که امیر را مجبور به ختم جنگ نماید. در سال 1891 میلادی هزاره‌های آروزگان بر علیه امیر شورش بر پا می‌کنند و سبب بسیج نمودن اکثریت قبایل هزاره می‌شوند.

در سل‌های 1896 - 1895 میلادی امیر با اخذ نمودن یک فتوی توسط علما مشروعیت اسلامی شدن منطقه همجوار چترال یعنی کافرستان در شمال - غرب را به دست آورده و اردو را بسیج می‌نماید، کافرستان به دین مبین اسلام رو می‌آورد و نام آن را امیر نورستان می‌گذارد، لکن عین عملیات را در هزاره جات پیش برده نمی‌تواند زیرا روس‌ها مانع امیر می‌شوند.

بعد از عملیات نورستان در سال 1886 لقب غازی (فاتح یک جنگ مقدس) (و ضیا الملت و الدین) (روشنی ملت و مذهب) را اختیار نمود. و از طرف دیگر پیشروی نظامی روس‌ها در مناطق پنجه در سال 1885 میلادی و همچنین واخان، به ملحق شدن علما با امیر منتهی گردید. امیر موفق به بدست آوردن یک فتوی از علما می‌شود که به قرار آن هر شخص که از اوامر امیر (پادشاه اسلام) سرپیچی نماید، یک غیر مسلمان شمرده شده و به قرار این دوکتورین اسلامی،

امیر، حکم مطیع بودن مطلق به فرمانروا را بدست آورده و توانست که اقدامات خود را توسط مذهب‌یون مشروعیت بدهد.

امیر برای نهادینه نمودن پلان هایش تشکیل یک شورا را می‌نماید که اعضای آن توسط امیر از بین اعضای فامیل پادشاه، خان‌ها، رهبران قبایل و یا زمینداران بزرگ و ملا‌ها برگزیده شد، و همچنین تهداب تشکیل یک کابینه به نام خلوت (khelwat) را گذاشت، که در حقیقت دلالت به قوه اجرائیه می‌کند، اما قدرت شان مانند شورا غیر مؤثر بوده است. هدف امیر از خلق نمودن این شعبات، خنثی ساختن اشخاصی بود که مدعی تاج و تخت بودند مخصوصاً پسران کاکای امیر، سردار ایوب خان پسر شیر علی خان و سردار محمد اسحق پسر امیر محمد اعظم خان، که هر دوی شان از حمایت مردمی برخوردار بودند.

برعلاوه نهادینه نمودن شعبات اداری، سلطنت امیر عبدالرحمن خان با خشونت همراه بود، یکی از مخالفین امیر به نام ملا نجم الدین از هده اعلان نمود: « که حکومت امیر با خشونت همراه بوده و از جمله دولت‌های مستبد به شمار می‌رود».

الحاق رهبران مذهبی در ادارات دولتی:

نهادینه نمودن تدریجی اسلام در شعبات اداری دولت، با سیاست انتخاب علمای نو توسط علمای قبلی در یک چوکات سیاست وسیع انکشافی شعبات دولتی شروع گردید. امیر اقدام به گذاشتن یک سیستم قضایی متحد جهت از بین بردن دو سیستم موجوده که عبارت از رسوم و عادات و پشتونوالی می‌باشند، نمود.

تفسیر شرعیت رشته تخصصی، لیاقت و صلاحیت علما می‌باشد که می‌توانند منبعت قاضی و یا مفتی نامیده شوند و با بدست آوردن این مقام‌ها، موقعیت اجتماعی شان ارتقا یافته، لکن اقتدار عملی نمودن وظیفه شان محدود بوده و در بعضی موارد مجبور به درخواست دستور از نزد امیر می‌شوند، و این در صورتیست که به یک قضیه که توسط قوانین که در دسترس دارند نا مشخص باشد، مقابل شوند، در این صورت نمی‌توانند قضاوت کنند.

برعلاوه شرف محکمه، خان علوم (Khân-e 'ulum) تنها وقایع ملکی را مورد بررسی قرر می‌دهد، و جزای کیفری از صلاحیت‌های امیر بوده است.

و از طرف دیگر امیر عبدالرحمن خان با گذاشتن یک تعداد از اقدامات که هدف آن از بین بردن استقلالیت اقتصادی رهبران مذهبی و رهبران قبایلی بود با از بین بردن صدقه و ذکات اقدام نمود.

در این مورد چنین می‌نویسد:

نقل قول از اولسن استه (Olesen Asta):

«اکثریت این ملاها تحت پوشش مذهب اسلامی، از دوکتورین عجیب و غریب که در هیچ تعالیم محمدی موجود نمی باشد، استفاده می کنند، چیزیکه سبب اضمحلال ملت های اسلامی در تمام کشور های مسلمان گردیده است. آموزش می دهند که مردم نباید کار بکنند، بلکه بالای املاک دیگران زندگی کنند، و یکی علیه دیگر بجنگند.

این وضاحت دارد که هر کدام از پادشاهان که به صورت خود مختار اعلان پادشاهی نموده اند، مجبور به گرفتن مالیات مختلف از مردم شوند:

در نتیجه اولین چیزیکه من لازم دیدم که به آن مبادرت ورزم عبارت از از بین بردن یک تعداد زیاد دزد ها، شیاد ها، کلاه بردار ها، پیامبر های دروغی و پادشاهان دروغی بود.

باید اقرار نمایم که یک وظیفه آسان نبوده و در حدود پانزده سال مبارزه به کار بود تا این که این ها زیر چتر من بیایند و یا این که وطن را رها کنند. (: Khan, S.M 1900 / 1980, vol I :)
«(218).

ادامه دارد